از من و ثابت دار و وا بر تو به قوله ان اردت نقدیر کلام الکه اللهم انی اسالک انی
عین اردت بعبادک فتنة ان تقبضنی الیک با موصول الی ان تقبضنی مفعول دوم
ارسال مقدر است ای و سوال میکنم از تو اگر اراده کنی به بندهای خود بلیة و محنة را ان
که قبض کنی روح مرا بسوی خود در آن حال که سالم باشم از آن فتنه و مفتون نگردم خاتمه
متن اللهم انی اسالک علما نافعا و اعوذ بک من علم لا ینفع ططس یعنی در معجم کبیر
طبرانی از حضرت عائشه رض و در معجم اوسط طبرانی از جابر رضی الله عنه مرویست
که رسول خدا میخواند بار خدایا بتحقیق من سوال میکنم از تو علمی را که باید است بر علمی که
عطا نموده نافع است در دنیا و آخرت امتثال است بقبول خدا قل رب زدنی علما
دنیاه من طلبیم تو از علمی که نفع ندهد مانند علم انساب که نه علمیست نافع و نه جهلش ضرر
لیکن اشتغال باین علم موجب تضییع عمر است و سبب غفلت است از ذکر و فکر لهذا
از جنس این علم استعاذه فرموده اند متن اللهم انی اسالک علما نافعا و عملا متقبلا
طس متقبلا یعنی موصل منشد است یعنی در معجم اوسط طبرانی مرویست از انس رض
که رسول خدا میخواند بار خدایا بتحقیق من سوال میکنم از تو علمی را که نفع دهنده است ای
مقرون است بعمل و عملی که مقبول است یا محل قبول است و قابل وصول متن اللهم
نی ارضنا بر کتها و زینتها و سکنها ط سکن بفتحتین و الانس فهم مرو صبور آرام که مرد
چون فرزند و زن و غیر آن یعنی در معجم کبیر طبرانی مرویست از سمره رض که رسول خدا
میخواند بار خدایا بنه بگردان در زمین شهرهای آن زمین را برد باشندگان بمانند
و سر دان از ردن ثمرات ایمان است بسوی کلام خدا که دوران اهل القری آمنوا
و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض و زینت آرایش آن زمین را
اشارتست بسوی کلام خدا انا جعلنا ما علی الارض زینة لها لنبلوهم ایهم احسن عملا
دلکی

دسکی زمین را ای بگردان در زمین شهرهای ما خیر را که در آن زمین بمیمنت آن آمن و فتق
و خوف نوقت کشتن مردم است و قال الملهم ای غیاث اهلها الذین تسکن نفوسهم الیه
انتهی غیاث بکسر فریاد رس مصرع این دعا را در ادعیه استسقا ذکر کرده است لیکن
ذکرش درین باب که معنون است با دعیه که مخصوص نیست بوقت از اوقات
۲۱۸ و بسبب از اسباب مناسب نیست متن اللهم انی اسالک یا الله الاول فلا شی قبلک
و الآخر فلا شی بعدک و الظاهر فلا شی فوقک و الباطن فلا شی دونک ان تقضی عنا
الدین و ان تغنینا من الفقر متص یعنی در مصنف ابن ابی شیبه مرویست از
ابو هریره رض که رسول خدا میخواند بار خدایا بتحقیق من سوال میکنم از تو در آن
حال که مستقیم یا متوسل باین اسمای تو که توئی اول پس نیست یا زیرا که نیست هیچ
چیزی پیش از تو پس کلمه فا برای تفریع است یا تعلیل و کذا ما بعد ای و توئی آخر پس
نیست یا زیرا که نیست هیچ چیزی پس از تو و توئی ظاهر بصفات و وجود مصنوعات
پس نیست یا زیرا که نیست هیچ چیزی فوق ظهور تو و فی کل شی له آیة تدل علی
انه واحد، و اختلاف عارفان در مقالات و حالات ایشان بعضی گفته اند ما رایت
شیئا الا و رایت الله بعده و بعضی ما رایت شیئا الا و رایت الله قبله و بعضی ما
رایت شیئا الا و رایت الله معه و توئی باطن بذات خود که خفی
پس نیست یا زیرا که نیست هیچ چیزی فرود تو در کمال بطون و لهذا گفته منزه است
در کمال عظمت او هر که نیست و قال الله تعالی و لا یحیطون بشی من علمه و القهر
دنا فوره و العدم فی قدرته ای عرفه حق معرفته او ما عظموه حق عظمته که
ظاهر با کمال یکتائی باطن با دفور پیدای قوله ان تقضی مفعول دوم
ارسال است این را که ادا کنی از ما حق مردم را و این را که بی نیاز گردانی ما را

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)